گزارش
سید نوید رضا موسوی

«جوان» خسارت اقتصادی مبارزان مقاومت فلسطین را به رژیم موقت صهیونیستی بررسی می کند

ضربه کاری مقاومت فلسطین به اقتصاد صهیونیست‌ها

همزمان با شروع دفاع مشروع مقاومت فلسطین، رژیم موقت صهیونیستی اقدام به بستن برخی کارخانه‌ها کرد تا کارگران را به عنوان سرباز ذخیره راهی میادین جنگ کند. در سرزمین‌های اشغالی همه عضو ارتش هستند و فقط نوع بحران، زمان اعزامشان به خطوط نبرد را تعیین می کند. بنابراین کارخانه‌ها با کمبود شدید نیروی انسانی و مواد اولیه روبه‌رو هستند، چراکه طولانی شدن جنگ واردات مواد اولیه را دستخوش تغییر قرار داده است. بورس تل آویو یک روز پس از عملیات طوفان الاقصی، کاهش شدید سهام شرکت‌های بزرگ اسرائیلی و شاخص‌های اصلی را ثبت کرد. جریان گاز از میدان تامار متوقف شد و شاخص گاز و نفت در بازار سهام روز یک‌شنبه به دلیل ترس از تشدید تنش در جبهه شمالی با لبنان که ذخایر گازی در سواحل این کشور را در معرض خطر قرار می‌دهد، ۹/۲ درصد کاهش یافت. در سطح بازار مالی و بورس، طبق اذعان الجزیره، در پایان معاملات روز یک‌شنبه، اولین روز معاملات پس از آغاز عملیات طوفان الاقصی ۸ درصد سقوط کرد. در کنار تمام تنش‌های داخلی اقتصاد اسرائیل، دولت عربستان اعلام کرد مذاکرات صلح را لغو می کند و موجی از مخالفت با عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی در بین کشورهای موافق با طرح معامله قرن ترامپ راه افتاد. همچنین کاربران مسلمان اقدام به تحریم کالاهای تولید صنایع اسرائیلی کردند و بازار مصرف این برندها دچار آسیب شده و خواهد شد. همچنین ضربه به صنعت توریسم، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری، افزایش بودجه نظامی و به تبع آن کاهش سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌ها، کاهش ارزش پول ملی، کاهش رتبه اعتباری و شکست کریدورهای عادی‌سازی را می توان به این فهرست افزود.

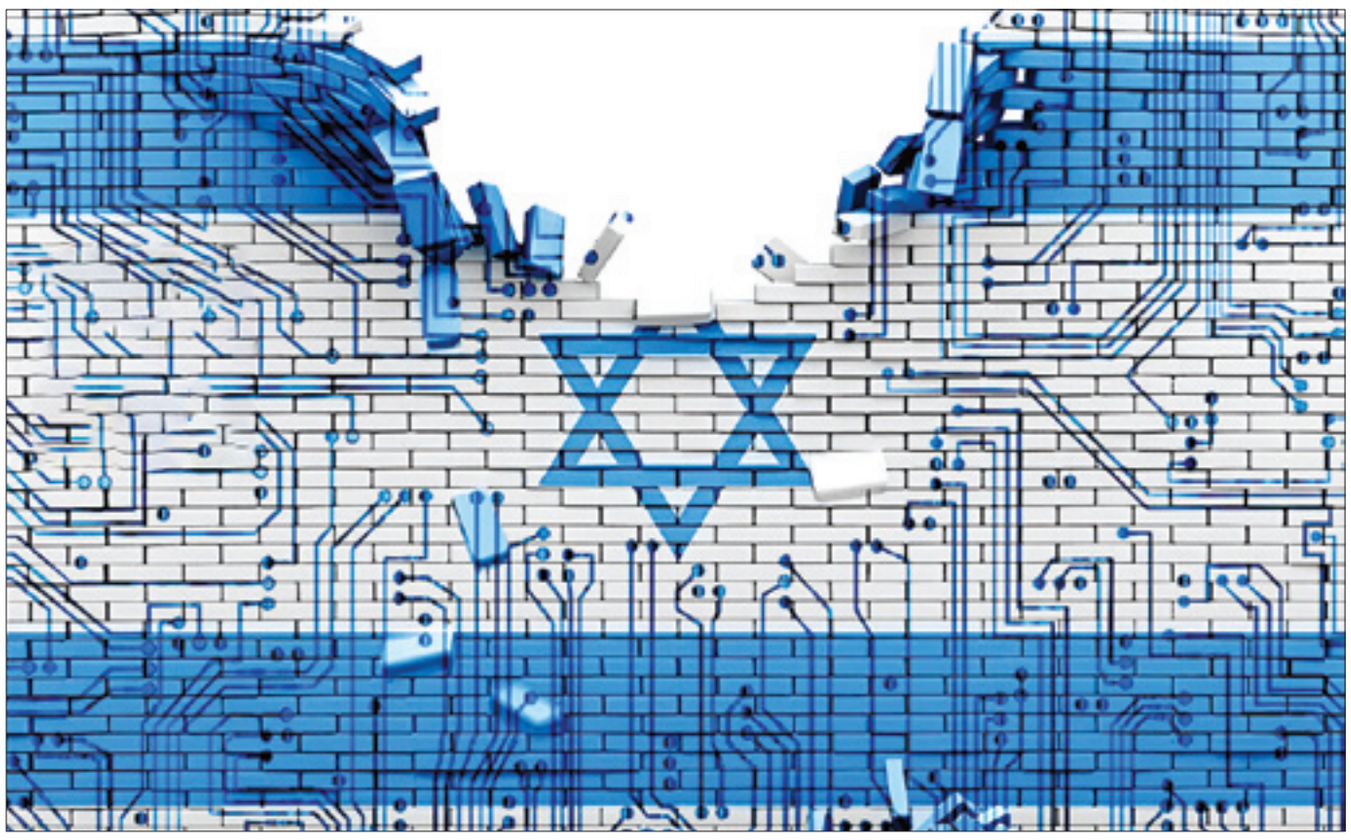

بزرگ‌ترین عوامل قدرت گرفتن جریان صهیونیستی را می‌توان ساماندهی مناسب ساختار اقتصادی منظم دانست. عوامل متعددی در این امر دخیل بودند که سه عامل اصلی آن را می‌توان به‌قرار زیر دانست:

۱- دفاع انگلیس از طرح صهیونیستی به عنوان بخشی از استراتژی جهانی خود.

۲-به‌دست گرفتن کادر هدایت جنبش صهیونیستی از سوی سندیکاهای کارگری یهود و توانایی آن در تنظیم امور مهاجران یهودی.

۳- سرازیر شدن سرمایه‌های خارجی یهودیان و استفاده از آن به ویژه در بخش تولید.

عوامل فوق نیز به تشکیل رژیم صهیونیستی کمک شایانی کرد. اسرائیل از آغاز، روابط خود را با فرانسه و انگلیس مستحکم کرد. این رژیم در سال ۱۹۵۶ با همکاری دو کشور مزبور و با هدف شکست جنبش آزادیبخش عرب به رهبری عبدالناصر به مصر یورش برد، اما با شکست انگلیس و فرانسه در جنگ سوئز و کاهش نفوذ این دو در منطقه، اسرائیل مجبور شد تا به امریکا روی آورد که جانشین انگلیس و فرانسه و دشمن سرسخت جنبش‌های آزادیبخش عربی بود. به تدریج، طرح صهیونیستی، بخشی از استراتژی امریکا در جنگ سرد به شمار آمد و روابط اسرائیل و امریکا ویژگی کاملاً متمایز یافت. قدرت احزاب کارگری که حدود ربع قرن ادامه یافت، توانست نظام اقتصادی ویژه‌ای را که نقش دولت در آن قابل توجه بود، تأسیس کند. محوریت دولت اسرائیل مستلزم ادامه روند توسعه صهیونیستی در دو زمینه جغرافیایی و نیروی انسانی بود و توزیع منابع اقتصادی نیز بر اساس میزان جذب مهاجران جدید صورت می‌گرفت. همین نقش، به اسرائیل امکان داد تا جنگ سال ۱۹۶۷ را آغاز و سرزمین‌های فلسطینی و عربی بیشتری را اشغال کند و دست به احداث شهرک‌های یهودی‌نشین بزند. در این زمان، بخش‌های اقتصادی و مراکز صنعتی و کشاورزی پیشرفته رو به رشد و توسعه بودند. از همان زمان تأسیس جنگ‌های متعددی را با همسایگان پشت سر گذاشت و دست به اشغال بخش اعظم خاک فلسطین و همزمان اشغال و غصب سرزمین‌هایی از مصر، سوریه و اردن کرد. اساس کار رژیم موقت صهیونیستی جذب مهاجر و افزایش جمعیت و خانه‌سازی در قالب پروژه‌های توسعه سرزمینی و تخریب خانه فلسطینیان برای شهرک‌سازی است. تمام ارکان دولت نظامی هستند و تقریباً تمامی سیاستمداران برجسته سابقه خدمت در رسته‌های عملیاتی ارتش را داشته‌اند. تمامی جمعیت اشغالگران مسلح هستند و این مسئله تمامی شهرک‌های ساخته شده روی خانه‌های فلسطینیان را تبدیل به پادگان می‌کند. وزارتخانه‌های کشاورزی، یکپارچه‌سازی و علیا(سنتی صهیونیستی مبنی بر جمع کردن یهودیان در یک سرزمین مبنی بر سفر خروج)، وزارت مسکن(وظیفه تخریب خانه‌های فلسطینیان و جایگزینی شهرک‌ها را به عهده دارد)، وزارت اقتصاد، وزارت انرژی(نیرو)، وزارت دارایی، وزارت راه و وزارت گردشگری از وزارتخانه‌های مؤثر بر معیشت، سبک زندگی و معیشت رژیم موقت صهیونیستی هستند.

نگاهی به ساختار اقتصادی اسرائیل

اقتصاد صهیونیست‌ها، شامل سه بخش سازمان‌های صهیونیستی، هستادروت(اتحادیه کارگری) و دولتی است.

۱) سازمان‌های فرادولتی مبتنی بر ایدئولوژی صهیونیسم

پس از تشکیل اسرائیل، یک هیئت مستقل برای پیگیری امور مهاجران و ارتباط یهودیان در رژیم اسرائیل با اقلیت‌های یهود در دنیا شکل گرفت. آژانس یهود در ایجاد شهرک‌های کشاورزی، ارائه خدمات، آموزش به مهاجران در امور کشاورزی، خدمات اجتماعی و جمع آوری کمک‌های یهودیان جهان فعالیت داشته و به رژیم اسرائیل کمک می‌کرد. اصولاً پس از اینکه مهاجر وارد اسرائیل می‌شد فرایند آموزش‌های عمومی مانند زبان، سبک زندگی و قوانین کلی شروع و پس از آن به او کمک می‌شد تا برای خود خانه‌ای مناسب تهیه کند.(همان شهرک‌سازی‌های غصبی) و این سازمان‌ها ورودی‌های جدید را متناسب با دولت تأسیس شده هماهنگ می‌کردند.

۲) اتحادیه سندیکاهای کارگری

با تشکیل دولت اسرائیل، فعالیت‌های هستادروت در زمینه‌های مهاجرت و اسکان کاهش یافت، اما سایر فعالیت‌های خود را ادامه داد و اکنون حدود یک میلیون و ۸۰۰هزار عضو (کارگران و خانواده‌های آنان)، ۵۸ درصد جمعیت اسرائیل و ۲۵ درصد از کارکنان سازمان‌های اقتصادی را زیر پوشش دارد. همچنین بیمه درمان اکثریت یهودیان به عهده این نهاد است. مدیریت هستادروت، هر چهار سال یک بار از طریق انتخابات (از سوی احزاب مختلف) صورت می‌گیرد و با تعیین شورای مرکزی، اعضای کمیته اجرایی انتخاب می‌شوند.

۳) دولت اسرائیل

دولت یا به طور مستقیم (از طریق اداره مراکز اقتصادی) یا به صورت غیرمستقیم (مانند سیاست‌های مالی و مالیاتی) بر تمامی بخش‌های اقتصادی نظارت دارد. منابع درآمد دولت عمدتاً از مالیات‌ها و کمک‌های خارجی(چه سرمایه‌داران خصوصی و چه دولت‌ها) تأمین می‌شود، اما به سبب هزینه‌های بسیار به ویژه در زمینه نظامی، همواره دولت با بحران مالی مواجه است و عمدتاً با پشتیبانی امریکایی‌ها و آلمانی‌ها ساختار پر هزینه ارتش اداره می‌شود. این میزان، در مقایسه با دولت‌های مشابه با اسرائیل، رقم بالایی است. دولت در هدایت اقدامات اقتصادی، نقش مهم را داراست و تعیین قیمت‌ها و دستمزدها به عهده آن است. وزارت اقتصاد و دارایی به هماهنگی سیاست‌های اقتصادی شرکت‌های مختلف می‌پردازد و با پشتیبانی از کالا و خدمات در تعیین نرخ‌ها سهیم است.

منابع درآمدی اسرائیل

اقتصاد اسرائیل از نظام بازار آزاد تبعیت می‌کند و درآمد اصلی اسرائیل از مالیات، صادرات تسلیحات نظامی و صنعتی، سرمایه‌گذاری روی صنایع خارجی و همینطور کمک‌های خارجی امریکا و آلمان (به بهانه هولوکاست) تأمین می‌شود. صنایع کشاورزی دیگر بخش اقتصاد اسرائیل است که هم در ساختار اقتصادی و هم در ساختار غذا و داروی صهیونیست‌ها نقش کلیدی ایفا می‌کند. اسرائیل سال‌ها پیش با اشغال کرانه باختری و تصاحب و غصب منابع آبی و سدسازی روی منابع مشترک، سیستم کشاورزی پیشرفته‌ای ساخته است که پیشتر در جریان درگیری‌ها از سوی بالن‌های کوچک آتش زا از غزه مورد حمله قرار می‌گرفتند. این مزارع نقشی مهم در تأمین بازار و صنایع غذایی اسرائیل دارند. همچنین اسرائیل سهامدار و از تولیدکنندگان اصلی داروهای بیماری‌های خاص در دنیاست و سرمایه‌داران صهیونیست از اقتصاد درمانی میلیاردها دلار پول به جیب زده و به قولی نان در خون می‌زنند. از طرفی گردشگری به عنوان یکی از منابع مهم درآمدی اسرائیل یکی از وزارتخانه‌های دولت را به خود اختصاص داده است و نقش مهمی در سیاست‌های تبلیغاتی رژیم دارد. هائیم کاتز، وزیر گردشگری اسرائیل راجع به توریسم اسرائیل در ۲۰۲۲ می‌گوید: «۲۰۲۲ سال بازیابی توان پس از بحران کرونا بود. روند مثبت است. شکستن رکورد تعداد گردشگران سال ۲۰۱۹ هدفی دست‌یافتنی است. گردشگری داخلی همتای گردشگری خارجی خود را به عنوان یک نیروی اقتصادی اثبات کرده است. هدف ما کاهش موانع، راه اندازی پروژه‌هایی برای افزایش ظرفیت اقامتی و توسعه زیرساخت‌هاست تا بتوانیم از ظرفیت بالقوه گردشگری کشور به طور کامل استفاده کنیم.» همانطور که وزیر اشاره کرد توریسم یکی از منابع غنی درآمدی اسرائیل است و حفظ توریسم در سه امر برای رژیم دارای اهمیت است:

۱-معرفی اسرائیل به عنوان یک دولت مستقر و با ثبات و نیروهای محور مقاومت به عنوان تروریست

۲-معرفی و شست‌وشوی فکری توریست‌ها با اندیشه‌های صهیونیستی مانند تبلیغات گسترده بازدید توریست‌ها از دیوار ندبه

۳-جذب سرمایه و درآمدزایی از توریسم

بنابراین آنچه رزمندگان مقاومت فلسطین در جریان دفاع مشروع «طوفان الاقصی» انجام دادند، با اثبات ناامن بودن خانه عنکبوت رژیم کودک کش، ضربه اساسی به صنعت توریسم رژیم موقت زدند.

ساختار اقتصادی اسرائیل

وابستگی کل ساختارها و نهادهای اسرائیل به امنیت: بدون شک بزرگ‌ترین تهدید دولت جعلی اسرائیل تهدید امنیتی علیه شهروندان محسوب می‌شود. در صورت بروز تهدیدات امنیتی بخش قابل توجهی از جمعیت اسرائیل سریعاً سرزمین‌های اشغالی را ترک می‌کنند و نظام تولید ضربه جدی می‌خورد. فارغ از مسئله خروج دو تابعیتی‌ها(که بیش از ۷۰درصد جمعیت اسرائیل را تشکیل می‌دهند) اساس و بنیه اسرائیل به عنوان یک دولت، ارتش است و تمامی جمعیت اسرائیل در بحران‌های امنیتی سرباز تلقی و وارد خدمت نظامی در ارتش می‌شوند و این مسئله شامل کارگران و مهندسان هم می‌شود و در شرایط پر تنش امنیتی خطوط تولید را به مقصد مناطق نبرد ترک می‌کنند. در مبحث جایگاه امنیت در ساختار اقتصادی اسرائیل به این مسئله به طور مبسوط پرداخته می‌شود.

وابستگی شدید به واردات مواد اولیه: به دلیل محدودیت سرزمینی و عدم توازن منابع و معادن موجود در اراضی اشغالی با ساختار صنعتی تعریف شده در اسرائیل نیاز شدیدی به واردات مواد اولیه وجود دارد و در صورت اختلال در واردات منابع، ساختار نظام تولید سریعاً دچار آسیب شده و عملاً تولید که قلب یک نظام اقتصادی محسوب می‌شود متوقف می‌گردد.

مشکل در تأمین نیروی انسانی: به دلیل شرایط خاص اسرائیل و اعمال سختگیری در پذیرش مهاجران غیر یهودی به اسرائیل، در زمینه نیروی انسانی دچار محدودیت است به طوری که گاهی اقدام به وارد کردن نیروی کار(به طور موقت و بدون دادن حق شهروندی و زیستن و بدون خانواده) از آفریقا و شرق آسیا کرده است که اگر داخل اسرائیل ناامن شود یا محدودیتی در ورود خارجی‌ها اعمال گردد ساختار تولید متزلزل می‌شود. کارگران بومی اسرائیلی هم عموماً در ساختارهای خرد اقتصادی کار نمی‌کنند و به دلیل دو تابعیتی بودن اکثر جمعیت اسرائیل با کوچک‌ترین تکانه‌های امنیتی یا اقتصادی کشور را ترک می‌کنند.

محدودیت سرزمینی: به دلیل وسعت کم سرزمین‌های اشغالی، رژیم صهیونیستی همواره با محدودیت‌های جدی در زمینه تولید مواجه بوده و تمامی ساختارهای صنعتی، کشاورزی و ساختمانی آن دچار چالش‌های اساسی است. مثلاً این رژیم سالانه مجبور به واردات هزاران تن مواد کشاورزی و حبوبات است. لازم به ذکر است سرزمین فلسطین همواره پاسخگوی نیازهای ساکنان بومی فلسطینی خود بوده است و مشکل محدودیت سرزمینی بیشتر از اینکه به خود اراضی اشغالی برگردد ناشی از سبک زندگی مصرف گرایانه در اسرائیل است.

نابرابری درآمدی: بروز نابرابری درآمدی بین مردم یک کشور، خود می‌تواند عامل شروع یک بحران در سطح ملی باشد.

بهترین شاخصی که اقتصاددانان نابرابری اقتصادی را اندازه می‌گیرند ضریب جینی است. اداره ملی بیمه اسرائیل در گزارشی در سال ۲۰۱۵ با استفاده از شاخص جینی، به تحلیل وضعیت زندگی و درآمد وطن دزدها پرداخته است:

۱) شکاف اقتصادی و فرهنگی بسیار زیاد بین ۱۰درصد دارای درآمد بالای جامعه و ۱۰ درصد درآمد پایین جامعه

۲) درآمد دهک آخر تقریباً هشت برابر دهک اول است.

۳) افزایش میزان فقر بین اشغالگران و رسیدن به ۲۵ درصد

۴) بیش از ۴۵۰ هزار خانواده با جمعیتی حدود یک میلیون و ۷۰۰هزار نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

نابرابری دارایی: علاوه‌بر نابرابری در درآمد، نابرابری در دارایی نیز یکی از چالش‌های عمده اقتصاد اسرائیل به حساب می‌آید. مؤسسه اصلاحات ساختاری اسرائیل در مطالعه‌ای روی دارایی‌ها و اموال شهروندان اسرائیلی معتقد است این نوع از نابرابری به‌شدت گسترده‌تر از نابرابری در حوزه درآمدی است. براساس یافته‌های آن مطالعه، ۱۰ درصد ثروتمند جامعه بیش از نیمی از دارایی‌های کشور را در اختیار خود دارند و از این دهک نیز حدود ۲۳ درصد دارایی‌ها، تنها متعلق به یک درصد بالای دهک است. در ادامه این گزارش که در سال ۲۰۱۵ منتشرشده است، میانگین دارایی‌های هر خانوار اسرائیلی حدود ۲ میلیون شکل برآورد شده که این میزان برای دهک بالای جامعه در حدود ۱۰ میلیون شکل و برای یک درصد بالای این دهک بیش‌از ۴۸ میلیون شکل است. این امر در حالی است که برآوردهای این مؤسسه نشان می‌دهد ۱۱درصد مردم ساکن سرزمین‌های اشغالی تنها هزار شکل دارایی دارند و ۵درصد از این خانوارها بدهی‌هایی دارند که از دارایی‌های آنها بیشتر است. مطابق گزارش این مؤسسه ۱۷ درصد خانوارهای اسرائیلی از فقر دارایی رنج می‌برند و ارزش کل درآمد آنان برای تأمین مالی زندگی اندازه سه ماه کفاف زندگی را می‌دهد.

نقش امنیت در نظام اقتصادی اسرائیل

به طور کلی اساس توسعه و رشد هر جامعه‌ای تأمین امنیت است. با نگاهی به جوامع توسعه یافته مدرن در می‌یابیم اولین گام برای توسعه ملی، بحث امنیت ملی است. تمام جوامعی که به سمت رشد و اعتلای جهانی خود گام برداشتند در مرحله اول یک نظام امنیتی منظم و متحد را شکل و کل کشور را در سیطره نظام امنیتی خود قرار دادند. هر چند امنیت در همه جوامع اولویت اول است ولی در اسرائیل بنیه شکل گیری خود جامعه و دولت امنیت بوده است. تفاوت جایگاه امنیت در اسرائیل با باقی کشورها به ویژه کشورهایی با ریشه تمدنی عمیق مثل ایران، مصر یا یونان در نوع نگاه دولت‌ها به امنیت است. در اداره دولت‌ها امنیت ابزار حفظ و رشد جامعه و کشور است ولی در اسرائیل امنیت مبنای شکل گیری خود جامعه و کشور است. در نظام امنیتی اسرائیل امنیت حتی بر خود اسرائیل هم متقدم است، چراکه اصلی‌ترین انگیزه صهیونیست‌ها برای جذب یهودیان، بحث امن بودن اسرائیل برای یهودیان بوده است. برای مثال با ترساندن یهودیان اروپا از روی کار آمدن دوباره یک جریان یهودستیز مانند نازی‌ها (هولوکاست دروغین) آنها را به مهاجرت به امن‌ترین نقطه جهان برای یهودیان سوق دادند و برای آن توجیهات مذهبی هم آوردند(سفر خروج) و همزمان در سطح عالی امنیتی اقدام به ناامن کردن دنیا برای یهودیان کردند تا در آنها این اندیشه را به وجود آورند که امن‌ترین نقطه دنیا برای یهودیان همان سرزمین‌های اشغال شده فلسطین است.

از همان ابتدا اسرائیل با چالش‌های امنیتی سنگینی مواجه شد که موجودیتش را تهدید کرد. عمق جغرافیایی کم و تشابه بالای فرهنگی، مذهبی و فکری مخالفانش که تمام همسایگانش را شکل می‌دادند همانند تیغ زیر گلوی اسرائیل عمل می‌کرد و ساختار امنیتی اطلاعاتی اسرائیل با تدوین دکترین تهدید محور امنیتی به تقابل امنیتی نظامی با دشمن پرداختند تا ساختار امنیت ملی اسرائیل را حفظ کنند. به دیگر سخن هرگونه تهاجم زمینی و به خطر افتادن سرزمین‌های اشغالی مساوی بود با شکل گیری موج مهاجرت معکوس و این کابوس دولت جعلی بود. در واقع هدف از تشکیل اسرائیل تبدیل یهودیت از یک دین به یک ملیت بود؛ امری که صرفاً با جعل گزاره‌ها و تحمیق مهاجران ممکن شد. دکترین امنیتی تدوین شده که به نظام امنیتی تهدید محور هم معروف است کارآمدی بالایی در حفظ موجودیت اسرائیل در قبال اعراب داشت و تا قبل از نبرد ۲۰۰۶ با حزب الله لبنان کلید طلایی صهیونیست‌ها به شمار می‌رفت. رمز این دکترین تنها یک چیز بود: قبل اینکه تهدید شکل بگیره اونو نابود کن. طی این ساز و کار دشمن باید تو همون ضربه اول اسرائیل و تو خونه خودش نابود بشه و توانایی رزم خودش رو از دست بده. بعد عملیاتی این دکترین در زمینه نظامی را می‌توان در جنگ شش روزه ۱۹۶۷ بین اعراب و اسرائیل مشاهده کرد که اسرائیل در حمله پیشدستانه نیروی هوایی مصر را روی زمین بمباران کرد و پرونده آن را بست. در زمینه امنیتی هم می‌شود موساد، ماشین ترور اسرائیل را مثال زد که تمامی دانشمندان اتمی دنیا را که حاضر به همکاری با اسرائیل و متحدانش نیستند مورد حملات تروریستی قرار می‌دهد؛ از دانشمندان اتمی ایران و مصر گرفته تا رابرت مکسول نماینده شهر باکینگهام انگلیس در مجلس این کشور. اساساً پایه و اساس اینکه اسرائیل بنیانگذاری شد و جامعه یهودیان(مذهب بنیان) تبدیل به جامعه اسرائیل(ملیت بنیان) شدند بحث تضمین امنیتی بود که از سوی حلقه حاکمیتی داشتند و تمامی ساختارهای سیاسی، تجاری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر مبنای آن امنیت صددرصدی که وعده‌اش را دادند شکل گرفته است. در حال حاضر جامعه اسرائیل بسیار غیر متحد است و در شرف فروپاشی روانی و اجتماعی است و بیش از ۷۰درصد جامعه دو تابعیتی است(تابعیت اسرائیل و کشور مبدأ) و در صورت هرگونه تنش امنیتی و از بین رفتن امنیت در سرزمین‌های اشغالی موج مهاجرت معکوس شکل می‌گیرد و این به معنی سقوط نظام اقتصادی و مالی در درجه اول و سقوط حاکمیت رژیم صهیونیستی در ادامه این مسئله است. شلوغی فرودگاه بن گوریون پس از عملیات طوفان الاقصی گواهی بر این موضوع است.

طوفان الاقصی، طوفانی بر پیکره اقتصاد رژیم

در ۱۵ مهر ۱۴۰۲ش، مصادف با ۷اکتبر ۲۰۲۳م، نیروهای حماس مستقر در نوار غزه، با طراحی و اجرای عملیاتی غافلگیرانه، به سرزمین‌های در اشغال اسرائیل نفوذ کردند. در دقایق ابتدایی این حمله، ۵ هزار راکت به سمت سرزمین‌های اشغالی شلیک شد. پس از آن نظامیان حماس با عبور از دیوار حائل بین نوار غزه و سرزمین‌های اشغالی، به شهرک‌های صهیونیست‌نشین ورود کردند. دستور عملیات را محمد ضیف از فرماندهان گردان قسام صادر کرد. در ساعات اولیه حمله، گروهی از وطن دزدان و نظامیان صهیونیستی از سوی حماس دستگیر و به عنوان اسیر به غزه منتقل شدند. با شروع موج حملات، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی اعلام وضعیت فوق‌العاده کرد. تعداد نیروهای شرکت‌کننده در این حمله از جانب نیروهای حماس، نزدیک به هزارنفر و نقاط عملیاتی ورودی به خاک‌های اشغالی، ۱۵ نقطه معرفی شده است. براساس آمارهای اسرائیل، تا روز دوازدهم پس از آغاز حمله حماس به مناطق اشغالی، بیش از هزار و ۴۰۰ اسرائیلی کشته و ۳هزار و ۵۰۰ نفر زخمی شدند.

ژنرال نمرود آلون به اسارت حماس در آمد

این حمله ضربه سنگینی بر پیکره اطلاعاتی- امنیتی اسرائیل زد و ساختار اقتصادی اسرائیل را متحمل ضررهای فراوانی کرد. همانطور که پیشتر عنوان شد اساس اقتصاد اسرائیل حول سرمایه‌گذاری‌های سنگین خارجی می‌چرخد و همزمان بخش قابل توجهی از نیروی کار اسرائیل را دوتابعیتی‌هایی تشکیل می‌دهند که با کوچک‌ترین تکانه امنیتی از اسرائیل خارج می‌شوند.

در فاز اول حملات زیرساخت‌های صنعتی و انرژی رژیم مورد حمله قرار گرفت که بخش قابل توجهی از صنایع اسرائیل را از کار انداخت و همچنین بخشی از نیروی کار وارداتی از شرق آسیا از سوی حماس اسیر گرفته شدند و این مسئله، پالس ناامنی اسرائیل را برای کارگران خارجی می‌فرستد و جذب دوباره نیروی کار خارجی برای صهیونیست‌ها با مصائب زیادی همراه خواهد شد. همزمان با آغاز مقاومت مشروع حماس، واحدهای عملیات ویژه دریایی هم اقداماتی را در راستای ناامن‌سازی بنادر تحت اشغال اسرائیل انجام دادند که در صورت تداوم این سری عملیات‌ها و تعطیلی بنادر یا واهمه شرکت‌های کشتیرانی از فعالیت در اسرائیل ساختار صنعتی واردات مبنای اسرائیل متحمل آسیب‌های سنگینی می‌شود و خطوط تولید عملاً بسته می‌شوند. دیگر آسیب سنگین اقتصادی اسرائیل، در حاشیه رفتن بحث کریدور استراتژیک عرب- مد برای اسرائیل بود که این سطح از تنش امنیتی و ناامن بودن اسرائیل، نظر مثبت شرکای تجاری و اعضای دیگر این کریدور را تحت الشعاع قرار می‌دهد. عرب- مد یک کریدور تجاری چندوجهی و در حال ظهور است که می‌تواند الگوهای تجاری بین منطقه اقیانوس هند، خاورمیانه و اروپا را با ایجاد ارتباط تجاری در حاشیه جنوبی اوراسیا از نو پیکربندی کند. برای هند، این اتصال جدید یک تغییر پارادایم استراتژیک با پیامدهای ژئوپلتیکی بزرگی است که می‌تواند نقش آن را در نظم اقتصادی اوراسیا تغییر دهد.

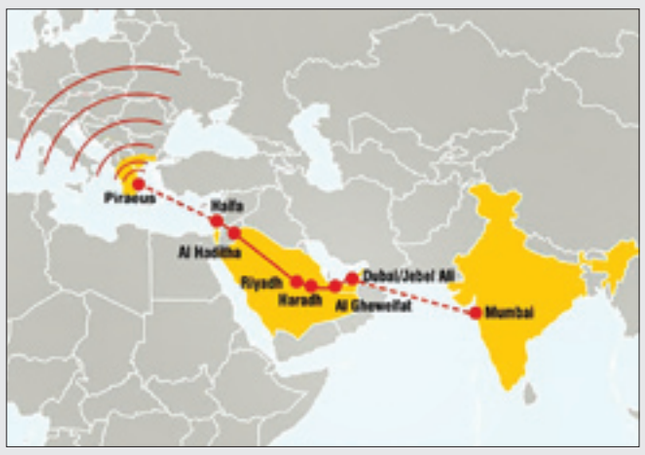

کریدور عرب- مد قرار بود اتصال دائمی اعراب و اسرائیل باشد و شکوفایی اقتصادی اسرائیل را به همراه داشته باشد

معماری جدید نتیجه عادی‌سازی دیپلماتیک سال ۲۰۲۰ بین امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی است که منجر به ایجاد شبکه راه‌آهن امارات به اسرائیل از طریق عربستان سعودی و اردن می‌شود. سپس کالاهای ارسالی از هند از طریق بندر حیفا به یونان و سپس کشورهای اروپایی منتقل خواهد شد. با پایان یافتن مذاکرات صلح عربستان و اسرائیل و همچنین موج آگاهی مردم منطقه از سیاست‌های ددمنشانه رژیم صهیونیستی به نظر می‌آید پرونده این کریدور همین جا بسته شود. نشریه فارن پالیسی در گزارشی با بررسی پیامدهای اقتصادی طوفان الاقصی برای رژیم صهیونیستی نوشت: این پیامدها تا سال‌های آینده، اسرائیل را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در صورت تداوم جنگ و ورود حزب‌الله به جنگ به لطف هزاران موشک و پهپاد نقطه‌زن تولید شده از سوی واحدهای مهندسی حزب الله، عملاً کار اقتصاد رژیم صهیونیستی تمام است و تمامی کارخانجات و مراکز صنعتی آن زیر حمله موشک‌های نقطه زن قرار خواهد گرفت.

اما نقطه پایانی اسرائیل وقتی است که مهاجرت معکوس بین تمام اقشار شکل بگیرد و ساختار اجتماعی رژیم از هم بپاشد. امری که با توجه به آمارهای درز داده شده از رسانه‌های اسرائیلی سرعت گرفته است. نتانیاهو که پایان خود و دولتش را می‌بیند در حال انتقام از کودکان فلسطینی است و مدارس و بیمارستان‌ها را هدف قرار می‌دهد. ان‌شاءالله با تداوم مقاومت و شگفتانه‌های دیگر مجاهدان فلسطینی، نماز جماعت در مسجدالاقصی برگزار می‌شود و شاهد اهتزاز پرچم فلسطین بر فراز سرزمین زیتون و حماسه خواهیم بود. رهبر معظم انقلاب: «امروز همه دنیای اسلام باید قضیه فلسطین را قضیه خود بداند؛ این، کلید رمزآلودی است که درهای فرج را به روی امت اسلامی می‌گشاید.»